در جهان امروز فناوري اطلاعات[[1]](#footnote-1) سودمندي و کارآمدي اطلاعات را ممکن ساخته است. بکارگيري اين فناوري تحول در امور اداري و سيستمهاي اطلاعاتي را ايجاد کرده است، به طوريکه امکان انتقال الکترونيکي، مدارک، اسناد و مکاتبات مختلف از طريق کامپيوتر و خطوط ارتباطات مخابراتي فراهم شده است. مطالعات و تحقيقات نشان ميدهد که در بکارگيري فناوري اطلاعات و بازده موسسات و نيروي انساني ارتباط دو سويه مثبتي وجود دارد. همچنين فناوري اطلاعات توانايي را افزايش ميدهد و اين نتيجه افزايش تنوع محصولات و بهبود کيفيت و جلب رضايت مشتري است. همچنين سبب تسهيل روند اداري و افزايش بازده نيروي انساني و مديريت مي شود. يکي از نتايج عمده بکارگيري فناوري اطلاعات تمرکز زدايي [[2]](#footnote-2)در عين تمرکز گرايي[[3]](#footnote-3) است. بدين معني که مي توان کارها را از راه دور انجام داد بدون آنکه لازم باشد تا در محل حضور فيزيکي و مستمر داشته باشيم که اين بر کوتاه شدن فواصل زماني و مکاني به عنوان يك ابر شاهراه تاکيد دارد. از ويژگيهاي اساسي عصر حاضر، اطلاعات و تبديل آن به دانش است. چنين ويژگي تاثير زيادي روي نهادهاي اجتماعي و اقتصادي جوامع خواهد گذاشت. نهادهاي اجتماعي بايد بر اساس آن تغيير ساختار دهند. گفته ميشود که فناوري اطلاعات توانايي سازمان را افزايش مي دهد با اين وجود اغلب سبب بهبود عملکرد نميشود. سازوکار و برنامه هاي استراتژيکي خاصي نياز است تا به اين اهداف اساسي در بکارگيري آن در سازمان دست يافت (سمیع زاده،1389، 7). امروز با مطرح شدن فناوري اطلاعات بعنوان يك عامل مهم رقابتي و برتري سازمان در محيط پر رقابت كنوني سازمان هاي مختلف درپي حركت به سمت بكارگيري اين فناوري در درون سازمان خود هستند. از طرفي باتوجه به رشد و توسعه روز افزون اين فناوري، شاهد افزايش استفاد از آن در سازمان ها مي باشيم. درواقع استفاد از فناوري اطلاعات و توانمندي هاي آن به يكي از الزامات اساسي و حياتي سازمان هاي امروزي مبدل شد است. همچنين اطلاعات، دانش و مديريت آن ها بعنوان يكي از منابع حياتي سازمان مطرح شده است. بنابراين شيوه استفاد كارآمد و مؤثر از اطلاعات و دانش و تدوين و پياد سازي برنامه هاي راهبردي فناوري اطلاعات/ سيستم هاي اطلاعاتي از اهميت فراواني برخوردار است. با توجه به رشد و توسعه همه جانبه فناوري اطلاهات و نفوذ آن در سطوح مختلف سازمان ها، لزوم بكارگيري برنامه هاي راهبردي در حوز فناوري اطلاعات بيش از پيش نمايان مي شود. اين طرح ها جهت برخوردي نظام مند با مقوله سرمايه گذاري و كسب نتايج بهتر در اين حوزه طراحي، تدوين و پياده سازي مي شوند. از اين رو استفاده استراتژيك از فناوري اطلاعات به عاملي كليدي براي سازمان ها جهت كسب مزيت رقابتي و همچنين همراستا نمودن استراتژي هاي فناوري اطلاهات با اهداف سازماني، تبديل شده است. به بيان ديگر برنامه ريزي استراتژيك فناوري اطلاعات يكي از عوامل اساسي يكپارچگي كسب و كار و فناوري اطلاهات و حصول مزيت رقابتي مي باشد (مرادی،1389، 2).

**2-2 سیستم اطلاعات حسابداری**

امروزه اطلاعات، برگ برنده شرکت هاي بزرگ تجاري است. از آنجا که گردآوري اطلاعات به روش دستی و معمولی براي شرکت هاي چند ملیتی بزرگ غیر ممکن است، آنها به سیستم هاي اطلاعاتی روي آورده اند.

سیستم هاي اطلاعاتی حسابداري نقش مهمی در کمک به سازمان براي پذیرش و حفظ یک موقعیت استراتژیک دارند. دستیابی به یک موقعیت مناسب به کمک فعالیتها مستلزم این است که داده هاي مربوط به هر فعالیت به شیوه مناسبی گردآوري شود. سپس این داده ها به اطلاعاتی تبدیل شوند تا بتوانند در فرآیند تصمیمات مدیریت استفاده شده و این فعالیتها با یکدیگر هماهنگی بیشتري داشته باشند . این اطلاعات باید قابل اتکا و همواره در دسترس باشند تا در فرآیند تصمیم گیري استفاده شوند. سیستم هاي اطلاعانی، سیستم هایی هستند که وظیفۀ آنها ذخیره سازي داده ها، پردازش آنها در چهارچوب اهداف اطلاعاتی مؤسسه و فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز براي تصمیم گیریهاي اقتصادي است که با مشارکت مدیران و تحلیلگران و طراحان سیستم که از دانش بسنده در زمینه تکنولوژي کامپیوتر برخوردار هستند، طراحی و در مؤسسات مستقر می گردد. پذیرش سیستم هاي اطلاعاتی بر مبناي کامپیوتر، تغییرات عمده اي را در انجام وظایف افراد ایجاد خواهد کرد و از طریق ابزارهاي این گونه سیستم ها، انقلابی در فرآیندهاي یک سازمان اتفاق می افتد. همه سازمان ها در دنیا به سیستم هاي اطلاعاتی نیاز دارند که متناسب با نیازهایشان و ساختار سازمانی آنها باشد و البته، این موضوع که سیستم هاي اطلاعاتی به طور مناسب استفاده شود نیز داراي اهمیت فراوانی است، چرا که سرمایه گذاري زیادي براي آن انجام شده و تأثیرات داخلی و خارجی آن درخور تأمل است. استفاده از سیستم هاي اطلاعاتی قابل اتکا، سازمان ها را در رسیدن به نقطه بهینه کمک میکند، زیرا استفاده مؤثر از این ابزار منجر به شناخت رقبا و دیگر مزیتهاي رقابتی منجر می شود. طراحی و پیاده سازي یک سیستم راهبردي، نیازمند تخصیص منابع در سطح کلان به آن سیستم است . این امر معمولا بین 3 تا 5 سال به طول می انجامد. در واقع این فرآیند بسیار شبیه تخصیص منابع به سایر فعالیتهاي راهبردي، نظیر توسعه خط تولید، گسترش مستغلات، تحقیقات بازار و تکنولوژي تولید است . اکثر سازمان ها طراحی و پیاده سازي را بر اساس نیازهاي سازمانی، موقعیتی که سیستم در آن قرار دارد و بازخورد هاي کاربران انجام میدهند. از دیدگاه استیوز و همکاران[[4]](#footnote-4)، چرخه حیات سیستم هاي اطلاعاتی شامل شش مرحله هستند که عبارتند از:

مرحله اول: اتخاذ تصمیم و پذیرش سیستم اطلاعاتی؛

مرحله دوم: تحصیل سیستم اطلاعاتی؛

مرحله سوم: پیاده سازي و اجراي سیستم اطلاعاتی؛

مرحله چهارم: به کارگیري و نگهداري سیستم اطلاعاتی؛

مرحله پنجم: بهبود تدریجی سیستم اطلاعاتی؛

مرحله ششم: کنارگذاري؛

مرحله سوم به عنوان یکی از مهمترین مراحل و پرهزینه ترین مراحل در چرخه عمر سیستم اطلاعاتی شناخته می شود (خواجوی و اعتمادی جوریابی،1389، 3).

سیستم اطلاعات حسابداري سیستمی است که عملیات جمع آوري و ذخیره سازي داده هاي مالی را طی فرایندهاي حسابداري انجام می دهد و پس از پردازش این داده ها، اطلاعات مورد استفاده تصمیم گیرندگان سازمانی را تولید می نماید. سیستم اطلاعات حسابداري در نهایت با ارائه گزارشهاي هوشمندانه مالی، می تواند تصمیم گیرندگان و مدیران سازمان را در برنامه هاي راهبردیشان کمک نماید. سیستم اطلاعات حسابداري از جمله سیستم هاي اصلی و اساسی سیستم اطلاعات مدیریت شمرده می شوند و وظیفه آن تأمین نیازهاي اطلاعاتی سطوح مختلف مدیران در زمینه هاي برنامه ریزي و کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیري است (حاجیها و نبیونی،1393، 48).

**مفهوم استراتژی**

مفهوم استراتژي نيز مانند بسياري از ديگر مفاهيم، ديگر قدمتي ديرينه دارد و بر اساس شرايط زماني و مكاني مختلف تعابيري متفاوت و متنوع از آن وجود داشته است. با وجود اين قدمت و تنوع تعابير و به رغم اهميت توجه به زمان مندي و مكان مندي آنها، اغلب تصويري از استراتژي ارائه مي شود كه به دليل بي توجهي به اين ويژگي ها، ماهيتي غيرواقعي از آن ترسيم مي كند. مرور اجمالي ديدگاه ها درباره استراتژي به خوبي نشان مي دهد از يك سو برخي بي توجه به تغيير شرايط زماني و مكاني آن را به عنوان مفهوم و انديشه اي سنتي تلقي مي كنند كه از ابتدا خاستگاه نظامي داشته و صرفاً در همين چارچوب بايد درك و تبيين شود و از سوي ديگر، برخي بدون توجه به اين پيشينه تاريخي، استراتژي را مفهوم و انديشه اي مدرن و به عنوان مقوله اي عام مي دانند كه در هر سازمان يا حوزه مديريتي قابل اعمال است. به عبارت ديگر، مسئله اساسي اين است كه تعاريف و تبيين ها از مفهوم و انديشه استراتژي اغلب به تقليل يا توسيع بيش از حد آن انجاميده و هر كس با توجه به كاربرد مورد نظر خود و بدون توجه به تعاريف ديگر آن را درك و فهم كرده و اين وضعيت باعث ابهام و پيچيد گيروزافزون موضوع و دشواري درك جامع و مانع از آن شده است. تأكيد بر ماهيت ثابت يا نگاه تقليل گرايانه به استراتژي و همچنين ، تمركز بر پويايي يا توسيع مفهومي آن، هر دو به يك اندازه باعث ناديده گرفتن ماهيت تاريخي و مفهومي استراتژي شده و محققين را از درك جامع و مانع اين پديده بازداشته اند. در واقع، گرچه مطالعه علمي استراتژي مقوله اي متأخر و مربوط به قرن بيستم ميلادي است، اما مفهوم و انديشه استراتژي داراي قدمتي به مراتب طولاني تر است و به قرن ها پيش برمي گردد. به عبارت ديگر، اولا ميان مفهوم و انديشه استراتژي از يك سو و مطالعات استراتژيك از سوي ديگر، تمايزي آشكار وجود دارد كه بايد بر اساس اين تمايز به بررسي آنها يا حتي روابطشان با يكديگر پرداخت. ثانياً، هم مفهوم استراتژي و هم مطالعات استراتژيك، پديده هايي زمان مند و مكان مند هستند و در تعامل و تقابل با تحولات سياسي، اقتصادي و حتي اجتماعي و فرهنگي جوامع انساني شكل گرفته و تكوين يافته اند. اين خصلت باعث شده هم مفهوم و انديشه استراتژي و هم مطالعات استراتژيك، در عين بروز ماهيتي ثابت، چهره هايي متفاوت از خود بروز دهند كه براي شناخت آنها بايد روشي متناسب در پيش گرفته شود (خلیلی،1391، 110).

1. - Information Technology (IT) [↑](#footnote-ref-1)
2. - Decentralization [↑](#footnote-ref-2)
3. - Centralization [↑](#footnote-ref-3)
4. - Stives et al [↑](#footnote-ref-4)